



بررسی و تحلیل «ماندالا» در معماری سنتی یزد

محدثه دهقانی فیروزآبادی^۱

چکیده

در معماری فرهنگهای اسلامی طرح های ماندالا دیده می شود. ماندالا (मण्डल) در سنسکریت به معنی دایره و جدولی هندسی است که به عنوان نمادی برای جهان هستی به کار می رود. در معماری سنتی استان یزد، در اغلب اجزاء معماری سنتی آن نشانی از ماندالا دیده می شود. مفاهیم توحید و معنویت در تمام مساجد با نقوش زیبای ماندالای ایرانی به چشم می خورد. از جمله نماد ماندالا در گنبدهای منازل قدیمی و مساجد، نماد ماندالا در فرش های ایرانی، نماد ماندالا در ظروف سفالی میبد، بعضی از صنایع دستی ایرانی، نماد ماندالا در بازارهای قدیمی یزد، نماد ماندالا در دیگر آثار معماری ایرانی شامل گنبدهای مدارس دینی سنتی، نماد ماندالا در باغ قدیمی دولت آباد و باغ خان و... وقتی که از آسمان به آن نگرسته شود به وضوح قابل دیدن است. نماد ماندالا حتی در بعضی از طرح های قالیچه ها و تابلوهای نقاشی و حتی در برخی طرح های ترمه قابل مشاهده است. در اکثر هنرهای تجسمی یزد، جایی نیست که این نماد معنوی تکرار نشده باشد. مقاله حاضر تلاش دارد تا برخی از مصادیق و نشانه های ماندالا را در معماری سنتی شهر یزد ارائه دهد و تحلیل کند.

واژگان کلیدی

معماری سنتی، دایره، ماندالا، هنرهای تجسمی

^۱ دانشجوی کارشناسی گرافیک دانشگاه بین المللی شاهد تهران



۱. مقدمه

ماندالا، به معنی حلقه یا دایره بارنگ و بوی جادویی است. هم چنین ماندالاها دایره‌هایی نمادین برای تمرکز بر خویشتن و جستجو در درون انسان هستند. مرکز دایره جدول ماندالا برای تمرکز در حین مراقبه دینی بکار می‌رود. اشکال متقارن هندسی ماندالا خودبخود توجه شخص را به مرکز دایره جذب می‌کنند. شما می‌توانید ماندالا را رسم کنید، یا بسازید.

طلسم شکن‌ها اغلب به شکل ماندالا هستند. بعضی از ماندالاها پیش از تاریخ متعلق به عصر مفرغ از زیر خاک بیرون آورده شده‌اند، و در موزه ملی سوییس حفظ می‌شوند که چرخ‌های خورشید نامیده می‌شوند، و چهار پره چرخ شبیه صلیب‌های مسیحی کهن دارند. نقش روی نان مقدس در کلیسای کاتولیک هم به این صورت است. نان مورد استفاده در کیش میتراپی نیز نوعی «نان ماندالایی» است، و این در یکی از یادمان‌ها دیده می‌شود. (یونگ، ۱۳۷۷: ص ۱۵۸)

دکتر یونگ می‌گوید قبول دارم، که آنچه درباره ماندالا و معنای احتمالی‌اش گفته‌ایم، به فلسفه می‌ماند، ولی فلسفه نیست؛ منسوب است به فیثاغورس و عدد چهار او. به اصول ربط دارد اما فی‌نفسه فلسفه نیست. صرفاً بیانی از امور ناخود آگاه است.

در فلسفه چینی، ماندالا عبارت است از قسمت اینچ مربعی از خانه فوت مربعی - می‌گویند که خانه به معنی کالبد فنا ناپذیر است، و ساختن آن ماندالا به معنی ساختن کالبد فنا ناپذیر است. "مید" بررسی جالبی درباره این تئوری انجام داده است، که انسان غیر از کالبد مادی فیزیکی‌اش کالبدی نامحسوس هم دارد. "ژله" تئوری کاملی از آن ساخته است، فلسفه جدیدی به نام سیستم «پسیکو دینامیک» واژه‌ای جدید برای یک چیز قدیمی، درست مانند بیشتر اصطلاحات علمی. کالبد نامحسوس، همان چیزی است که در فلسفه کهن آنتلیکا نامیده می‌شود؛ یعنی همان چیزی که می‌کوشد خود را در وجود به فعلیت درآورد. و حالا تصور چینی این است که ماندالا نماد کالبد نامحسوس است. طبق نظریه‌های شرقی، از طریق



مراقبه و تمرکز روی ماندالا تمامی اجزای کا لبد نامحسوس از بیرون جذب می شوند، و در درون آدمی متمرکز و متمرکز می گردند، و در آنجا کا لبد فنا ناپذیر را می سازند. انسان جدید در آموزش مسیحی اولیه قدیس پولس دقیقاً، همان کالبد نامحسوس است. این تصویری است مثالی، و بسیار ژرف، که به قلمرو مثال های کهن ابدی تعلق دارد. (همان: صص ۱۵۴-۱۵۵)

فرآورده های خیال پردازی خود به خودی، کم کم ژرف تر شده، و به تدریج در درون ساختارهای تجربیدی تمرکز می یابند؛ که ظاهراً معرف «اصول» به مفهوم «شناخت رازهای کهن» هستند. هنگامی که خیال پردازی عمدتاً جنبه ی اندیشه ورزی را به خود می گیرد، صورت بندی های شهودی قوانین، کم و بیش محسوس با اصول ظاهر می شوند، که نخست سعی در نمایا ندن رشد شخصیت خود دارند. اگر این خیال پردازی ها را به تصویر کشیم، نمادهایی که ظاهر می شوند عمدتاً از نوع ماندالا هستند. ماندالا به معنای دایره و به ویژه دایره جادویی است. ماندالاها نه تنها در سراسر شرق، بلکه در غربیان نیز پیدا می شوند. در سده های نخستین، اروپا نیز، به ویژه در داشتن ماندالاهای مسیحی غنی بود. بیشتر آنها مسیح را در مرکز تصویر با چهار مبشر، انجیل های چهارگانه، و یا نمادهای آنان در چهار گوشه اصلی نشان دادند. در هند اسم ویژه ای برای این موضوع وجود دارد: «ماندالانریتیا» یا رقص ماندالا. حرکات رقص، بیانگر همان مفاهیم تصاویر هستند. (یونگ، ۱۳۸۳: صص ۴۲-۴۴)

ماندالا حصار یا محدوده ای است که در متن ما به وسیله ی انگاره ی "گردش" بیان شده است. گردش عبارت از حرکت ساده به صورت دایره نیست؛ بلکه از سویی به معنای جدایی و تمایز مکان مقدس و از سوی دیگر، تثبیت و تمرکز است. چرخ خورشید شروع به گردش می کند، خورشید در حال فعالیت است، و گردش خود را آغاز می نماید؛ به عبارت دیگر "تائو" شروع به کار کرده و پیشقدم می شود. کنش به بی کنشی بدل می شود، و همه چیز در پیرامون آن نیز تابع دستور مرکز است. بنابراین گفته می شود: «حرکت چیزی نیست، جز نامی دیگر برای مهارت». از دیدگاه روانشناسی، گردش می تواند «حرکت در دایره ای به دور خود» باشد، به طوری که همه ی ابعاد شخصیت در آن حضور یابند. قطب های روشنایی و تاریکی برای این ساخته شده اند تا بر محور خود بچرخند، یعنی اینکه، روز و شب متناوبند. از این روی، حرکت چرخشی دارای معنای اخلاقی پویا کردن نیروهای روشنایی و تاریکی ماهیت انسان است؛ و تمام اضداد روانشناختی از هر گونه که باشند با آنان همراهند این چیزی جز خودشناسی به وسیله ی خودباروری نیست و یک مفهوم انگاره ای مشابه، وجود کامل یا همان انسان افلاطونی با پیرامون دایره ای شکل بیرونی است که در درون خود به دو جنس متضاد یگانگی می بخشد. (همان: صص ۴۸)



اصطلاح ماندالا مشخص کننده مناسک مذهبی یا دایره جادویی است که در "لاماییزم" و نیز در "یوگای تا نتریک" به صورت یانتر، یا کمک به مراقبه به کار می رود. ماندالاها ی شرقی که در جشن ها به کار می روند صورتی هستند که در سنت جا افتاده اند، و می شود آن ها را ترسیم یا نقاشی کرد، و یا در برخی مراسم خاص، حتی به صورت قالب هایی در آورد.

ماندالاهایی که در جشن ها به کار می روند، پرمعنی هستند، زیرا معمولا مرکز آنها یکی از والاترین چهره های مذهبی را در بر می گیرد. (یونگ، ۱۳۷۳: ص ۱۴۶-۱۴۸)

درک ارزش والایی که برای ماندالا قائل شده اند، برای ما بی فایده نیست، چون مطابق با عالی ترین معنای مظاهر ماندالای فردیست، که واجد همان خصایل به اصطلاح طبیعت "مابعد الطبیعی" است. این ماندالاها چیزی نیستند، جز معرف مرکز روانی شخصیت که نباید آن را با "من" یکی دانست. (همان: ص ۱۵۰)

سیروس شمیسا نیز عقیده دارد که ماندالا از آرکی تایپ های مهم به شمار می آید. دایره ای که درون آن مربعی است، و بیانگر آرزوی تمامیت و کمال و تجمع است. (شمیسا، ۱۳۸۷: ص ۲۶۶)

به طور کلی وحدت به وسیله دایره و چهار عنصر به وسیله مربع نمایانده می شوند. (یونگ، ۱۳۷۳: ص ۱۸۶)

۲. بررسی و تحلیل انواع نماد «ماندالا» در معماری سنتی شهر یزد

در استان یزد، در گذشته، شغل معماری، شغلی دینی و معنوی بوده و معمار بدون نام خدا سنگی بر روی سنگی و یا خشتی بر روی خشتی قرار داده نمی داد. دلبستگی عمیق مردم یزد به خداوند حتی در معماری های این استان انعکاس یافته و به شکل عناصر معنوی نماد های ماندالا در هر گوشه ای ظاهر شده است.

ماندالا یعنی دایره، نماد عالم ملکوتی و معنوی است که به شکل نماد چرخشی دایره، گل چند پر و یا ساده، سمبل چرخ، دایره مدور در مدور، نماد چهار ضلعی با تکرار چرخشی تکرار می شوند. این نقوش را در محافل دعا و نیایش مثل سقف مساجد، امامزاده ها، حاشیه و دیوار مدارس سنتی یزد و در کاشی کاری ها، اعدادهای چرخشی، در کتیبه ها در معماری و آجر کاری سقف بازارهای سنتی یزد می توان مشاهده کرد.

هم چنین نماد ماندالا در پنجره و درهای قدیمی با اشکال دایره و گاهی ترکیبی از مستطیل و دایره، مرقد امامزادگان از دو ماندالای ترکیبی مربع و دایره تشکیل می شود که در روستا ها و شهرهای استان یزد می توان دید.

۲. ۱. نماد ماندالای گنبدی و مربعی در معماری سنتی یزد



گنبد یکی از محملهای معنایی در معماری ایرانی اسلامی شهر یزد است. گنبد از زمان باستان و تا امروز در بنا های مقدس یزد از کاربرد ویژه ای برخوردار بوده از جمله در ساخت آتشکده های زرتشتیان برخوردار بوده است. اساس و شالوده « گنبد» دایره است که آن را نماد کیهان و رسیدن به کمال می داند و مرکز گنبد را مظهر حقیقت ابدی و مرکز زمین زیر گنبد، نقطه ای که مستقیماً در زیر راس گنبد قرار می گیرد، به مرکز عالم تعبیر می شود.

اگر بخواهیم بطور هندسی گنبد را تعریف نمائیم باید بگوئیم از دوران یک قوس حول محور عمودی آن (عمود منصف) حاصل می شود و البته هر قوس قابل تبدیل به گنبد نیست. ولی قوس های جناغی به خصوص اگر خیز نسبتاً زیادی هم داشته باشند خیلی برای ساخت یک گنبد مناسب هستند.

در لغت نامه دهخدا نیز در باره گنبد چنین آمده است: نوعی از عمارت مدور که از خشت و گل و آجر پوشند. (دهخدا، ذیل واژه) معین هم گنبد را چون دهخدا معنا می کند. (معین ، ذیل واژه) و حتی آن را کنایه از آسمان می داند.

یکی از ویژگی های معماری یزد خانه های روستایی یا خانه های چهار صغه است. این خانه ها از حیاط نیمه پوشیده ای تشکیل می شوند که در چهار گوشه ی آن چهار اتاق وجود دارند. سقف اتاق ها با گنبد های کوچکی که کلمبه نام دارد پوشیده می شوند و چهار صغه و یا تالار رو به حیاط نیمه پوشیده قرار می گیرد از تالار ها در فصل گرما و از اتاق ها در فصل سرما می توان استفاده کرد.

دَلَّارِ خانه های یزد نیز داستان ویژه ی خود دارند و در ساختن آنها اصول معماری خاص یزدی به کار رفته است از آنها که یزد را دارالعباده نامیده اند و مردم آن فوق العاده پایبند به معتقدات مذهبی خود هستند از قدیم علایم تعصب خود را در کوبه یا حلقه های در نیز دخالت داده اند. بر در خانه های یزد به خصوص تا چند دهی قبل دو کوبه نصب می شد یکی کوبه سنگین چکشی بود و دیگری کوبه سبک حلقوی. اگر مردی حلقه بر در میزد باید از کوبه چکشی استفاده می کرد و اگر زنی با اهل خانه کار داشت کوبه سبک حلقوی را به صدا در می آورد. از طرفی اهالی خانه با شنیدن صدای کوبه چکشی که از کوبه حلقوی کاملاً متمایز بود، می دانستند که مردی پشت در خانه ایستاده است و مرد خانه برای باز کردن در مراجعه می کرد، اگر صدای کوبه حلقوی به گوش می رسید زن خانه برای باز کردن در، دست به کار می شد. (دهقان منشادی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۶)

سیستم ساختمانی چهار طاقی در واقع یکی از فرم های احداث گنبد بر روی پلان چهار گوش است. درعین حال خلوص و وحدتی که در این نوع ساختمان وجود دارد یکی از جا افتاده ترین و رایج ترین فرمهای ساختمانی در معماری سنتی یزد است.

سیستم ساختمانی ساخته شده چهار طاقی در عین سادگی گیرا و روحانی است و باعث آرامش خاصی میگردد. این ویژگیها که نمایانگر تکامل فرم ساختمانی گنبد بر روی پلان مربع است در چهار چوب معماری یزد دیده می شود.



۲. ۱. ۱. نارین قلعه با نماد گنبدی ماندالایی

نارین قلعه به عنوان قدیمی ترین بنای خشت و گلی در منطقه یزد خودنمایی می کند. قدمت این بنا حکایت از زندگی و حضور تمدن در منطقه میبد در هزاره های سوم پیش از میلاد دارد. این بنا به عنوان اصلی ترین نقطه آغاز تمدن و یکجانشینی در شهر میبد بر فراز تپه رسی به ارتفاع ۲۵ متر شکل گرفته است. کاوش های باستان شناسی در محدوده نارین قلعه و آثار مکشوفه از این بنا ریشه تاریخی منطقه و شواهد زیادی از تاریخ شهر نشینی و تحولات منطقه یزد را مشخص می کند. (فلاح، ۱۳۹۰، ص ۵۱)

۲. ۱. ۲. محراب های ماندالایی یزد

محراب را می توان به عنوان عنصری نمادین در بناهای مقدس یزد مورد توجه قرار داد که از یک فرو رفتگی طاقچه مانند در دیواری فرم می گیرد و برای متمایز نمودن آن از بخش های دیگر از نقوش و مصالح متفاوتی بهره می گیرند.

۲. ۱. ۳. معماری ماندالایی کاروانسرای یزد

معماری کاروانسراهای یزد بسیار متنوع است. معماران با توجه به موقعیت اقلیمی یزد، کاروانسراهایی با ویژگیهای گوناگون احداث کرده اند. در ساخت کاروانسراهای برون شهری از نقشه های چهار ایوانی، دو ایوانی، هشت ضلعی، مدور، کوهستانی و نوع کرانه خلیج فارس استفاده شده است. در احداث کاروانسراها مانند مساجد و مدارس بیشتر از طرح چهار ایوانی استفاده شده است.

۲. ۱. ۴. بادگیرهای یزدی ماندالایی

اوج هنر معماران کویر، ساخت بادگیرهاست. زیباترین بادگیرها را می توان برفراز خانه های قدیمی یزد و برفراز برخی مسجدها، مانند "مسجد ریگ" و "مسجد" ملا اسماعیل" در یزد و مسجد حاج محمدحسین در اردکان دید. از این رو شهر یزد را شهر بادگیرها لقب داده اند. بادگیر که نام های (بادخان)، (بادمنج)، (بادغره) است، در اکثر خانه های یزد دیده می شود. طبیعی ترین وسیله تهویه است و در محل های مختلف شکلهای گوناگونی به خود می گیرد، بادگیرها یک طرفه دوطرفه و چهارطرفه و چهار گوش یا مستطیل و هشت گوش از آن جمله اند. بادگیرها با تهویه ای که در اتاق انجام می دهند باعث خنکی اتاق می شوند. (آذر یزدی و مسرت، ۱۳۹۱، ص ۶۶) بلند ترین بادگیر در استان، بادگیر باغ دولت آباد است به ارتفاع حدود ۳۳ متر و زیباترین بادگیر هم بادگیر، بادگیر دو طبقه ای خانه ی آقا زاده در ابرکوه است. (همان جا)

بادگیر یزدی که چهار سویه است، فقط دو سه نمونه آن در میبد است. (محمودی، ۱۳۸۸: ص ۳۰)



هم چنین در زیر باد گیر اتاقی است که غالباً در صفا پنا در زیر بادگیر می سازند، تا در زمستان از نفوذ باد به صفا و اتاق پنا جلوگیری کند. (جانب الهی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶)

۲. ۱. ۵. بقعه های ماندالایی یزد

اکثر بقعه های استان یزد، بناهایی گنبدی شکل هستند و اغلب آنها آرامگاه بزرگان دین، دانش و عرفان است. قدیمی ترین بقعه های استان یزد عبارتند از: بقعه ی دوازده امام، بقعه ی شیخ داد، بقعه ی شیخ احمد فهادان، بقعه ی سید خلیل، بقعه ی شاه سید رضا، بقعه ی سادات قل هو الله، بقعه ی شیخ داود. بقعه های یزد زیارتگاه معروف اهل این دیار هستند، که مردم به آن روی می آورند. (مسرت، ۱۳۹۱، ص ۷۰)

۲. ۱. ۶. مناره های ماندالایی یزد

مناره نیز عنصر فضایی دیگری از مناره ایرانی اسلامی است که قبل از ورود اسلام به ایران از این عنصر جهت تعیین دو مرز و همچنین تامین روشنایی برای مسافرین و کاروانیان در راهها بهره گرفته می شد اما با ورود اسلام به این سرزمین " مناره " تبدیل به عنصری مقدس در کنار گنبد اماکن مقدس گردید و نماد نور و هدایت مسلمین به صراط مستقیم گردید. معماران یزدی که در تزیین مناره ها در دوره های مختلف از شیوه های مختلفی بهره برده اند، چون کاشی کاری، برجسته کاری، کتیبه نویسی. و مناره ها را می توان متشکل از چهار جزء دانست که شامل پایه، ساقه، سرپوش و راس می باشد که مهم ترین بخش آن " سر پوش " است. مناره یزدی یا جایگاهی که کلام خداوند در قالب اذان به گوش مردم می رسد، به معنای محل صدور نور است. نوری که مسیر تاریک انسان را در این جهان روشن می کند. پژواک کلمه نور به فضاها و اشکال معماری اسلامی قداست می بخشد و حس حضور پروردگار را در انسان زنده می کند به گونه ای که به هر سو روی می گرداند، حضور الهی برای او محسوس است.

۲. ۱. ۷. مدارس ماندالایی یزد

کهن ترین مدرسه برجای مانده در یزد مدرسه ی دومنار به تاریخ ساخت ۵۲۳ق است. دیگر مدارس مشهور عبارتند از: مدارس خان کوچک و بزرگ، شفیعیه، کمالیه، ضیائیه، شاهزاده، ملا اسماعیل، ابوالمعالی، حسینیان، رکنیه، شمسیه، شهاب الدین قاسم طراز و مصلی. (مسرت، ۱۳۹۱، ص ۷۶)

۲. ۱. ۸. میدان های ماندالایی یزد



در شهر یزد چندین میدان با مجموعه ای از بناهای وابسته به آن ، مانند آب انبار، مسجد، بازار، حمام و مدرسه وجود دارد. شاخص ترین آنها میدان خان، از بناهای ساخت محمد تقی خان بافقی، حاکم یزد است که به مسجد ریگ، قیصریه، مدرسه ی شفیعیه، مدرسه ی ملا اسماعیل و بازارهای یزد راه دارد. میدان دیگر " امیر چخماق " اثری از قرن نهم است. در این میدان که پیش از میدان شدن حسینی ی بوده است، مسجد امیر چخماق، آب انبار، بقعه ی ستی فاطمه، حسینیه ، تکیه و بازار حاجی قنبر قرار دارد. (آذر یزدی، ۱۳۹۱، ص ۷۶)

۳. نتیجه

ایرانیان باستان جهان را گرد و هموار چونان بشقابی می پنداشتند. نزد آنان آسمان نه فضای بی پایان که ذاتی سخت داشت و همانند خرسنگی از الماس جهان را چون پوسته ای در میان گرفته بود. زمین در حالت اصلی مسطح و نه دره ای داشت و نه کوهی، و خورشید، ماه و صور فلکی برفراز زمین در حالت نیمروز برفراز زمین آرام ایستاده و همه چیز سرشار از آرامش و هماهنگی بود اما این آرامش با ورود شر به جهان در هم شکسته شد. شر آسمان را شکست به آب فروشد و آنگاه با تاختن به میان زمین آن را به لرزه در آورد و از این لرزه کوه ها از زمین سربر آوردند. کوه اصلی البرز بود که سر برآوردن آن از زمین هشت صد سال به طول انجامید. دو صد سال طول کشید تا البرز به ستاره پایه star station رسید، دو صد سال گذشت تا به خورشید پایه رسید، دو صد سال دیگر گذشت تا به انتهای آسمان رسید. (هیلنز، ۱۳۸۳: ص ۶۵)

چرخش و دایره در حیات انسان نمادی است از تولد و مرگ که در زندگی انسان ها تکرار می شود و تنها خداست که ابدی است و بازگشت همه بسوی اوست و تنها اعمال نیک ماست که در هستی باقی می ماند. ماندالا حلقه ایی است که این جهان را با جهان دیگر متصل می کند و انسان را به اصل دور افتاده خویش وصل می کند.

به هر حال هنر معماری یزد نیز چون هنر ایرانی غالبا صورت دینی پیدا می کند ، و بر اساس خداشناسی، جهان شناسی و انسان شناسی به وجود آمده است.

منابع و مآخذ

آذر یزدی، مهدی، مسرت، حسین، (۱۳۹۱)، سرزمین ایران یزد، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، انتشارات برهان.

افشار، ایرج، (۱۳۷۴)، یادگارهای یزد، جلد اول، انتشارات انجمن آثار ملی.



-(۱۳۷۱)، یزدنامه، فرهنگ ایران زمین، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۸۶)، سبک شناسی معماری ایرانی، تهران، سروش دانش.
- جانب الهی، محمد سعید، (۱۳۸۵)، چهل گفتار در مردم شناسی میبد، تهران، گنجینه ی هنر.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۲۵) لغت نامه، تهران، چاپخانه مجلس و دانشگاه تهران.
- دهقان منشادی، مهدی، (۱۳۸۸)، یک قرن دگرگونی، پیام تهران.
- شمیسا، سیروس؛ (۱۳۷۸) نقد ادبی، تهران، فردوس.
- ؛ (۱۳۸۷) بیان، تهران، نشر میترا.
- فلاح، علیرضا، (۱۳۸۹)، ساختار شناسی بیرونه های ارگ میبد، یزد.
-(۱۳۹۱)، ساختارهای دفاعی در میبد، یزد.
- قلمسیاه، اکبر، (۱۳۷۳)، یزد در سفرنامه ها، موسسه انتشارات یزد.
- کیانی، محمد یوسف، (۱۳۹۱)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره ی اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- مسرت، حسین، (۱۳۸۴)، در آینه ی خشت خام، قم، بقیه العترة
- محمدی نژاد، م. (۱۳۸۳)، حکمت معماری اسلامی، نشریه علمی، پژوهشی دانشکده هنرهای زیبا، شماره ۱۹، پاییز ۸۳، ص ۵۹-۵۸.
- محمودی، مهناز، (۱۳۸۸)، بادگیر نماد معماری ایران، تهران، یزدا.
- معین، محمد؛ (۱۳۵۶) فرهنگ فارسی، چاپ سوم، تهران، امیر کبیر.
- هیلنز، جان راسل؛ (۱۳۸۳) شناخت اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۶۸) چهار صورت مثالی، ترجمه پروین فرامرزی، مشهد آستان قدس رضوی.
- (۱۳۹۰) انسان و سمبلهانش، ترجمه محمود سلطانی، چاپ دوم، انتشارات جامی.
- (۱۳۸۳) روانشناسی ضمیر ناخود آگاه، ترجمه محمد علی امیری، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ؛ (۱۳۶۸) آیون، پروین و فریدون فرامرزی، تهران، به نشر.
- ؛ (۱۳۷۷) تحلیل رویا، ترجمه رضا رضایی، چاپ اول، تهران، نشر افکار.
- ؛ (۱۳۷۳) روانشناسی و کیمیا گری، ترجمه پروین فرامرزی، چاپ اول، انتشارات قدس رضوی.



14th International Conference on
Tourism
Culture and Art

www.tccnf.ir

چهاردهمین کنفرانس بین المللی
گردشگری، فرهنگ و هنر | اسپانیا



14th international conference on Tourism , Culture and Art

- ؛(۱۳۸۳) روانشناسی و شرق ،ترجمه لطیف صدیقانی ، چاپ اول ،انتشارات جامی .
- ، (۱۳۹۰) چهار صورت مثالی ،ترجمه پروین فرامرزی ،مشهد آستان قدس رضوی .